

## سرمقاله

### امام مهدی علیه السلام احیاگر قرآن و سنت

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در فرازی از نهج البلاغه می‌فرمایند:

او - امام مهدی علیه السلام - خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند، در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظرها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد... و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را که تا آن روز متروک ماندند، زنده می‌کند.<sup>۱</sup>

بیانات نورانی فوق بیان‌کننده یک حقیقت و یادآور خطری جدی برای همه مسلمانان به ویژه مردم این زمان است، مشکل ما مسلمانان این است که برای درمان دردهای پیدا و پنهان‌مان، به جای دریافت صحیح از نسخه‌های شفابخش آیات قرآن گاهی چنان مقهور هوا و هوس می‌شویم که خواسته‌های نفسانی‌مان را بر آن ترجیح داده و حتی تلاش می‌کنیم قرآن را تابع خواسته‌های نادرست خود نمائیم. و این همان خطری است که امیرالمؤمنین علیه السلام ما را بدان هشدار می‌دهد که امروز ما آن را به نام «تفسیر به رأی» می‌شناسیم. البته این امر ممکن است

---

۱. «يعطف الهوى على الهدى، و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى... و يحيى ميّت الكتاب و السنة.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۱۸۲).

مصادیق مختلفی داشته باشد، زیرا تفسیر به رأی، گاهی تفسیر قرآن بر خلاف موازین علم لغت و ادبیات عرب و فهم اهل زبان و تطبیق دادن آن بر پندارها و خیالات باطل و تمایلات شخصی و گروهی می‌شود<sup>۱</sup> و گاهی ممکن است آیات قرآن را بر اساس نظر و عقیده خویش تفسیر نمایند، نه بر اساس حقیقت کلام وحی، و حتی ممکن است مفهوم آیه‌ای را آن چنان که قواعد ادبی و سنت اقتضا می‌کند بپذیریم، ولی در تطبیق آن بر مصادیق مرتکب تحریف شویم و چیزی که مصداق آن نیست، بر طبق سلیقه شخصی خود مصداق قرار دهیم؛ همه این گونه رفتارها تفسیر به رأی تلقی می‌شود که قرآن ما را از آن نهی کرده است، ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ وَأَنْ تَشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

و این عمل در سیره معصومین علیهم‌السلام در روایات عدیده نظیر: «من فسر القرآن برأیه فلیتبوأ مقعده من النار»<sup>۳</sup> و «من فسر برأیه آیه من کتاب الله فقد کفر»<sup>۴</sup> و یا «ما آمنَ بی من فسّر برأیه کلامی»<sup>۵</sup> مورد نکوهش قرار گرفته است.

در این زمان که عصر غیبت است، شاهد افزایش بدعت‌ها، تأویل‌ها و پیرایه‌ها هستیم که مصداق «عطفوا القرآن علی الرای» است. امروزه اندیشه‌های کهنه ابن تیمیه‌ها را می‌توان در قالب سلفی‌گری معاصر در حوزه‌های مختلف دین در برداشت‌های تحمیلی و سطحی آنان از آیات نورانی قرآن و سنت نبوی به وضوح مشاهده کرد که چگونه با قرائت‌های بی‌مبنای خود و بی‌تفرقه و جدایی را بین امت مسلمان ایجاد کرده و بطوریکه هر روز شاهد فرقه‌های نوظهور انحرافی در جهان اسلام می‌باشیم؛ امروز سرزمین وحی (مکه و مدینه) گرفتار اقلیتی کج فهم

۱. راغب اصفهانی، *المفردات*، واژه رأی.

۲. اعراف (۷): ۱۰۰.

۳. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان*، ج ۳، ص ۷۵، (به نقل از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

۴. بحرانی، سیدهاشم، *برهان*، ج ۱، ص ۱۹ (به نقل از امام صادق علیه‌السلام).

۵. حر عاملی، محمدبن الحسن، و سایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۸، ح ۲۲ (رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از خداوند متعال).

که هدفی جز احیای جاهلیت نوین ندارند، شده است، کسانی که فقط به ظواهر قرآن و برداشت‌های بدعت آمیز از سنت بسنده کرده‌اند و از حقیقت و روح تعالیم آسمانی قرآن و سنت غفلت ورزیدند، آنان بسیاری از واجبات دین نظیر آیات جهاد و مبارزه علیه شرک و کفر و حمایت از مسلمانان، و مظلومان و محرومان را به فراموشی سپرده و در مقابل برخی از محرمات را با حیل‌های گوناگون و تأویل صوری جایز می‌شمارند و احکام دین را به دلخواه تأویل می‌کنند و از قرآن فقط به قرائت و تجوید و احترام ظاهری آن اکتفا می‌نمایند.

در چنین حالتی باید پرسید، وظیفه عالمان روشن ضمیر در عصر غیبت چیست؟ آیا عالمان دین - شیعه و سنی - در قبال برداشت‌های غلط و تفسیر به رای آنان مسئولیتی ندارند؟ چه کسی باید گرد و غبار تفسیرهای هوس آلود آنان را از ساحت دین بزداید؟ عالمان دین به عنوان سنگربانان حفظ میراث اسلامی، وظیفه‌ای بس سترگ بر دوش دارند که همان تفسیر صحیح قرآن، احیای سنت نبوی و علوی، احیای ارزش‌های دینی و کرامت اخلاقی، حفظ وحدت مسلمانان و جلوگیری از بروز هرگونه عامل یا عوامل تفرقه، حفظ هویت دینی مسلمانان در پرتو بسط و گسترش تعالیم قرآنی و... می‌باشد. عالم دین هیچگاه نمی‌تواند در برابر سیطره بیگانگان بر منابع مادی و معنوی سکوت کند، او نمی‌تواند توجیه‌گر کارهای خلاف شرع سلاطین و حکام جور باشد، او کتاب الهی را به عنوان ودیعه الهی در دست بشر و مصباح هدایت می‌بیند، او در درد و رنج برادران مسلمان خود آرام و قرار ندارد و در کلام آنان خود را شریک می‌بیند، و... چنین عالمی را می‌توان انسانی بصیر و با درایت و تدبیر و بسترساز برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام دانست نه آنانکه مدعیان دروغین‌اند؛ او چراغ امیدواری را روشن نگاه می‌دارد تا دل‌های مالمال از عشق به خدا همچنان امیدوار باشند تا وعده الهی محقق شود، چرا که راه و روش او همسان پیامبر صلی الله علیه و آله است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

«راه و روش او، چون پیامبر است، یعنی هرچه پیش او باشد ویران می‌کند، چنان

که پیامبر جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را از نو می‌نمایاند<sup>۱</sup>. به امید آن روز. در پایان بر خود لازم می‌دانم از برادر ارجمند جناب حجت الاسلام آقای دکتر غلامرضا بهروزلک که چندی سر دبیری فصلنامه *انتظار موعود* را برعهده داشتند کمال تشکر و امتنان را داشته و از کناره‌گیری ایشان به دلیل کثرت مشاغل و نبود فراغ لازم، ابراز تأسف نمایم. امیدوارم همواره از نظرات ارزشمند ایشان در پویایی فصلنامه بهره‌مند باشیم.

سردبیر



سال نهم / شماره ۳۱ / زمستان ۱۳۸۸

---

۱. نعمانی، محمد، *الغیبة*، ص ۲۳۱.